

گ ر گ

پدر بزرگ نرگس آموزگار است. نرگس در گرگان زندگی
می کند. در تابستان نرگس برای گردش و کمک به مادر بزرگ
به روستا می آید. او با شیر گاو ماست درست می کند. نرگس
تماشای گندم زار را دوست دارد. در روستا گرگ و گوزن زندگی
می کنند. در روستا مگس و شیر زیاد است. مادر بزرگ یک گربه
و یک سگ دارد. سگ پارس می کند. پدر بزرگ می گوید: اگر

من را از روستا بیرون ببرند،

دیگر نمی توانم زندگی کنم.



گ ر گ

سگ زنگ برگ انگور گاو گرگ بزرگ مادر بزرگ

گربه گرگان نرگس زندگی آموزگار گردش سنگین

برگ زنگ اگر سنگ گاو گم گاز گوش رنگ

گوشه دیگ سنگ گلابی یادگیری گردن گوشت

آموزگار سپاس گزار شاگرد مگس پدر بزرگ انگشت

مداد رنگی گریه گربه گردو

گرگ گرم گندم پرندگان

